

تعریف بدیهه

هنری

برآمده از سنت و آیین

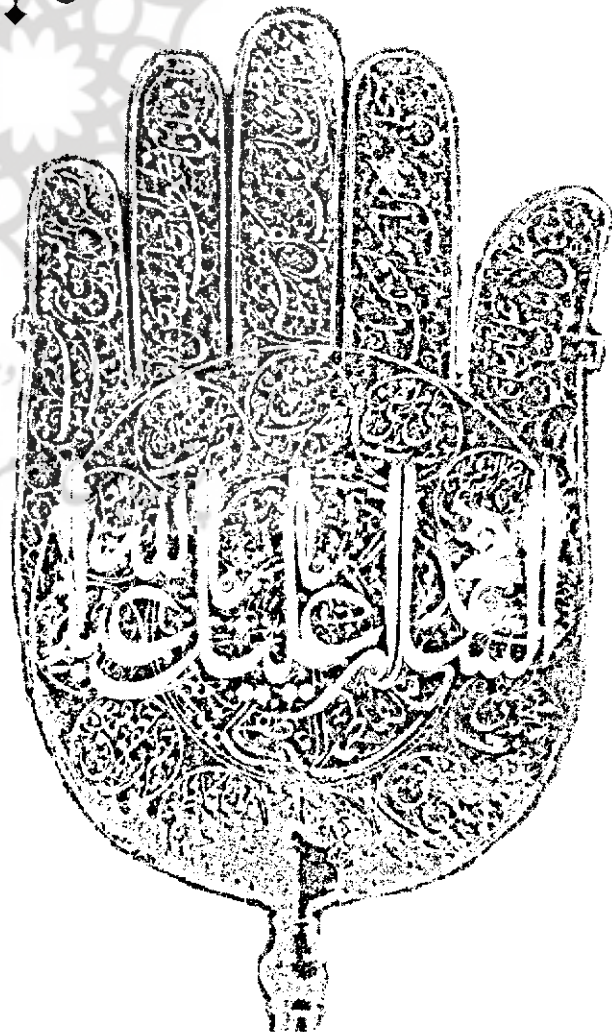
رضا امین

○ آغاز سخن

ابراهیم مکی در نوشتاری با عنوان شناخت عوامل نمایش در ایران در تعریف نمایش نوشته است: نمایش به معنی اعم به انجام عملی از پیش تعیین شده گفته می‌شود و در تعریفی جامع‌تر که در برگزیده آثار میتنی بر بدیهه‌سازی نیز باشد می‌توان گفت: «نمایش عبارت از انجام دادن و یا تظاهر به انجام دادن امری است که خود در هر لحظه واقف به چگونگی انجام آن هستیم».

در این حال نمایش فرآیندی ارتباطی است که طی آن و به منظوری خاص و در محلی معین و توسط گروه یا فردی قصه یا ماجرای بازسازی شده و از طریق رفتار و گفتار موضوع و اندیشه‌ای به گروه دیگر - مخاطبان که تماشاگر هستند - انتقال می‌یابد. شبیه خوانی یا آن که در گویش عام رایج است «تغزیه» گونه‌ای از نمایش است که روایتگر واقعه مبارزه و شهادت امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری و در صحرای نینوا «کربلا» در رویاروی با سپاهیان یزید ابن معاویه است.

این گونه نمایشی که در گروه بندی انواع نمایش، در ردیف نمایش‌های دینی و آیینی قرار می‌گیرد به وسیله ایرانیان شیعه شکل گرفته و نخستین بار در دوران صفویه به عنوان بخشی از مراسم عزاداری حضرت حسین ابن علی «ع» شک گرفته و اجرا شده است. اگرچه ماجرای اصلی شبیه خوانی یا تغزیه واقعه روز عاشورا و روز پیش از آن یعنی تاسوعا و شهادت حضرت ابوالفضل (ع) است اما بعدها داستان‌های دیگری از اولیاء و اهل بیت و حتی پیامبران بر آن افزوده شده است و به تدریج به عنوان



گونه‌های از نمایش تثبیت گردیده که معمولاً در ماه‌های محرم و صفر که ماه‌های سوگواری است در تکایه، حسینیه‌ها و محل‌های دیگر اجرا می‌شود. شبیه خوانی یا تعزیه به دلیل تاثیرگذاری آن بر مخاطب و دارا بودن بار دراماتیک خاص در بین گونه‌های مختلف نمایش جایگاه خاصی دارد تا حدی که در کتاب «تعزیه هنر بومی پیشرو ایران» تألیف داوود حاتمی آمده است: «بیتر چلکووسکی شرق‌شناسی آمریکایی تعزیه را نمایش بومی پیشرو ایران نامیده».

○ آغاز تعزیه در ایران

به نوشته مورخان «شبیه خوانی» از زمان صفویه در ایران شکل گرفته است. شاهان صفوی که برای مقابله با امپراتوری عثمانی در پی ایجاد وحدت و یکپارچه‌گی سیاسی حول محور دین بودند مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی و تلاش کردند تا به اجرای آیین‌های مذهبی و بهره‌گیری تبلیغی از این آیین‌ها وحدت ملی را منسجم‌تر سازند و به همین دلیل اجرای مراسمی مانند «روضه خوانی»، شمایل گردانی، منقلب خوانی، منلحی اهل بیته پرده خوانی، حمزه خوانی و... تعالی مذهبی به شدت رونق گرفت و شاعران مدیحه گوی اهل بیت و مرثیه سازان مورد حمایت قرار گرفتند و به ویژه بر اجرای گسترده مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) و یارانش در ماه محرم، تأکید بسیار شد و «شبیه خوانی» به عنوان وسیله‌ای برای به تماشا درآوردن مصایب حضرت امام حسین (ع) و یارانش و شهادت آنان در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۶۱ ابداع شد و رونق گرفت.

پیش از دوران صفویه در نیمه دوم قرن چهارم هجری و دوره معزالنوله دلمی، یک بار به فرمان او مراسم عزاداری برای شهیدان کربلا بر پا شده بود اما در دوران صفویه با تبدیل شدن مذهب شیعه به

عنوان مذهب رسمی کشور، سوگواری برای شهیدان کربلا به شکلی خاص و هفتمند مورد توجه و تأکید قرار گرفت و دسته جات ویژه سوگواری در ماه محرم به وجود آمد.

بهرام بیضایی در کتاب «نمایش در ایران» نوشته است:

«ابتنا تنها دسته‌هایی بوده‌اند که به کندی از برای تماشاچیان می‌گنشته‌اند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و نظایر آن، و حمل نشانه‌ها و علم‌هایی که بی شباهت به افزارهای جنگی نبوده و نیز هم‌آوازی و هم‌سرایی در خواندن نوحه ماجرای

پیش از دوران صفویه در نیمه دوم قرن چهارم هجری و دوره معزالنوله دلمی، یک بار به فرمان او مراسم عزاداری برای شهیدان کربلا بر پا شده بود اما در دوران صفویه با تبدیل شدن مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، سوگواری برای شهیدان کربلا به شکلی خاص و هفتمند مورد توجه و تأکید قرار گرفت و دسته جات ویژه سوگواری در ماه محرم به وجود آمد

کربلا را به مردم یادآوری می‌کردند. در مرحله بعدی آوازهای دسته جمعی کم‌تر شد و نشانه‌ها بیشتر، و یکی دو واقعه خوان ماجرای کربلا را برای تماشاگران نقل می‌کردند و سنج و طبل و نوحه آن‌ها را همراهی می‌کرده است. چندی بعد به جای تقالان شبیه چند تن از شهدا را به مردم نشان دادند که با شبیه‌سازی و لباس‌های نزدیک به واقعیت می‌آمدند و مصائب خود را شرح می‌دادند. مرحله بعدی گفت و شنید شبیه‌ها بود با هم، و بعد پیدایش بازیگران. شاید در آخرین نیم قرن دوره صفویه، تعزیه تحول نهایی

خود را طی کرد و به آن شکلی که می‌شناسیم در آمد.»

«شبیه خوانی» به جهت ابعاد مختلفی که پیدا کرده است از بارزترین تجلی گام‌های فرهنگ ایرانی است و هنرهایی از نوع آواز و موسیقی راه نیز می‌توان در آن سراغ گرفت تا حدی که گروهی آن را حافظ و موجب احیاء و اشاعه موسیقی ایرانی دانسته‌اند زیرا اولاً تماشاگران به محض خواندن هر شعر از تعزیه با تداعی معانی لحن و حالتی که آن شعر در خوانش به وسیله شبیه خوان داشت آن موسیقی را به خاطر می‌آوردند و چون تماشاگران از طبقات گوناگون مردم بودند و این مراسم نیز تقریباً در تمام نقاط کشور -

حتی روستاهای کوچک - برگزار می‌شد شیوه‌ای مناسب برای آشنایی مردم با دستگاه‌ها و الحان موسیقی ایرانی بود به طوری که طبقات مختلف شرکت کننده در مجالس شبیه خوانی در اثر مکرر شنیدن اشعار آهنگ آن‌ها را نیز به خاطر می‌سپردند. ثانیاً با توجه به این که در تمام شهرهای ایران و اکثر قراء و قصبات در ماه‌های عزا مراسم تعزیه داری بر پا بود و در بعضی شهرها مراسم تعزیه و شبیه خوانی رونق فراوانی داشت. و در دوران قاجار به دلیل دلبستگی ناصرالدین شاه به اجرای تعزیه در تکیه دولت و تشویق تعزیه خوانان با پرداخت پاداش و مقرری و پیروی شاهزادگان و اشراف از وی؛ و تشویق دارندگان صوت خوش به آموختن موسیقی و خواننده‌گی نیز رونق گرفت و کوشش اساتید فن در «ادای صحیح الحان و نعمات موسیقی ایران توسط جوانان خوش آواز که زیر نظر و تعلیم آن‌ها برای خواندن تعزیه در تکیه دولت و دیگر مجالس بزرگ تربیت می‌شدند خوانندگان پرورش یافتند که در فن خواننده‌گی و اطلاع از ردیف دستگاه و آواز و گوشه‌ها و ادای صحیح الحان از اساتید عصر خود به شمار آمدند.» همچنین چون جمعی از شبیه خوانان تکیه دولت از شهرها و ولایات و قصبات و قراء ایران،



جهت ایام عزاداری، به پایتخت احضار می شدند و پس از اتمام مراسم به زادگاه خود باز می گشتند و به سهم خود تربیت شبیه خوانان محل خود را به عهده می گرفتند و بدین ترتیب دانش، تجربیات و نحوه تعلیم اساتید فن در سراسر ایران به علاقه مندان و دست اندرکاران منتقل می گردید.

شبیه خوانی یا تعزیه در روند تکامل خود و حتی در ابتدای شکل گیری از دو منبع اساسی بهره جسته است یکی «مقتل»ها و روایات مذهبی، که به ویژه با به طبع رسیدن «روضه‌الشهدا» توسط «کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سزواری» معروف به «ملا حسین کاشفی»، موضوعات و قصص مورد احتیاج آن به خوبی تامین شد. منبع دیگر دسته‌های عزاداری بود که شبیه‌سازی‌های اولیه آن، همچون حمل نعش و گهواره علی اصغر و حجله قاسم بن حسن (ع)، به تدریج تبدیل به بازسازی صحنه‌های ابتدایی از واقعه گردید و در گسترش این مراسم آرام آرام از دل آن نمایش‌های کوچک مستقلی بیرون آمد و تکامل یافت و تا جایی رشد نمود که سرانجام در دوران حکومت سلسله زندیه اولین اجرای کامل از یک واقعه مستقل نمایشی در این شیوه گزارش گردید و «ویلیام فرانکلین» در کتابش، «مشاهدات سفر از ینگال به ایران» با اشاره به مشاهداتش در شیراز طی محرم سال ۱۱۶۶ شمسی نوشت:

«... هر روز اشخاصی که برای این کار هستند گوشه‌هایی از این داستان را نمایش می دهند، نشانه‌هایی هم در دسته‌ها حمل می کنند که یکی از آن‌ها نمایشی است به نام «آب فرات»، دسته‌هایی از بچه‌ها و جوانان که عده بی به لباس سربازان ابن سعد و گروهی به قالب همراهان امام حسین (ع) درآمده‌اند، از کوجه‌ها می گذرند و با هم نزاع‌هایی می کنند که گاهی به جنگ‌های نسبتاً شدیدی می انجامد. در جای دیگر یزید را می بینیم که روی تخت مجلی نشسته، اطرافش فراوان و سفیر

فرنگی ایستاده‌اند. یکی از جالب‌ترین نمایش‌های این سوگواری، نمایش عروسی قاسم جوان پسر امام حسن (ع) است با دختر عمویش یعنی دختر امام حسین است که این عروسی هیچ‌گاه تحقق نیافت چون قاسم در یکی از نبردهای کنار فرات در هفتم محرم کشته شد. در این نمایش پسر جوانی نقش عروس را با همه تزئینات یک عروس بازی می کند. این عروس همراه زن‌های خانواده‌اش است و با لحن اندوهناک شعری راجع به پایان غم‌انگیز زندگی شوهرش که توسط کفار نابود شده می خواند. نمی توان دقایق جدا شدن آن‌ها را فراموش کرد؛ وقتی که

«شبیه خوانی» به جهت ایجاد مختلفی که پیدا کرده است، از بارزترین تجلی گاه‌های فرهنگ ایرانی است و هنرهایی از نوع آواز و موسیقی را، نیز می توان در آن سراغ گرفت تا حدی که گروهی آن را حافظ و موجب احیاء و اشاعه موسیقی ایرانی دانسته‌اند

شوهر نامزد جوانش را ترک می کند تا به جنگ برود با او لطیف‌ترین وداع‌ها را می کند و جامه سوگواری به او می دهد و دختر هم جامه را بروی شانه‌های خود می اندازد...

بهرام بیضایی در جای دیگری از کتاب نمایش در ایران نوشته است: «ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می تراشیدند این کار هم سعی فراوان به خرج داد و شبیه خوانی را وسیله اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد و آن‌را به مقام بزرگی رساند. شاهزاده‌ها و رجال هم به شاه تاسی

می کردند و آن‌ها هم تعزیه خوانی راه می انداختند. کم‌کم تکیه‌های سر محل هم که سابقاً تعزیه‌های عامیانه می خواندند از حیث نسخه و تجمل به بزرگان تاسی جسته و هر یک به فراخور توانایی اهل محل بیش و کم تجمل و شکوه را در عزاداری وارد کردند.» و همین اعیانیت و تنوع‌طلبی بانیان و مخاطبان باعث شد که با پیدا شدن جنبه‌های سرگرم کننده در شبیه خوانی این شکل سنتی نمایش از وظیفه مذهبی خود گامی فراتر بنهد و با طرح افسانه‌ها و حتی موضوعات روزمره تنوع بیشتری یابد. به این ترتیب مجالس شبیه خوانی که ابتدا محدود به تعزیه امام حسین (ع) و حضرت عباس، طفلان مسلم، عروسی قاسم و تعزیه حر و مجلس یزید و چند مجلس مشابه این‌ها بود از نظر مضمون گسترش یافت، و داستان‌هایی که ربطی به مراسم عزاداری سیدالشهدا نداشتند در آن وارد شدند و مجالسی چون «خروج مختار ثقفی»، «بازار شام»، «عروسی بلقیس و سلیمان»، «دیر راهب»، «حجق‌لوداع»، «شاه چراغ»، «بازار شام»، «عروسی دختر قریش»، «دره الصدف»، «امیر تیمور»، «حضرت یوسف»، «شست بستن دیو»، «مالیات گرفتن معین البکاء» و... پدید آمدند. در جریان تکامل شکل اجرایی نیز ما با دو گونه «شبیه خوانی در صحنه‌های ثابت» و «شبیه خوانی سیار» روبرو می شویم که مردم مناطق مختلف کشور بنا به تجربیات، رسوم، مقتضیات و امکانات موجود در محل از آن‌ها بهره جسته‌اند.

اما در مجموع آن‌چه این گونه نمایشی را از سایر تظاهرات مذهبی مربوط به وقایع تاریخ اسلام و به ویژه حماسه عاشورا متمایز می سازد نه آرایه‌هایی چون دکور و صحنه و لباس و... که وجود سه عنصر «کلام منظوم»، «موسیقی» و «نمایش» در پیوندی تنگاتنگ یا یکدیگر بسته چنانکه اگر یکی از این سه عنصر را حذف کنیم آن‌چه باقی می ماند شبیه خوانی نخواهد بود.

